



مشارکت، خانواده و آرامش؛ کلیدواژه های رسانه های زنانه

مهم ترین مفهومی که در حوزه زنان با آن سر و کار داریم زنانه شدن فضا و برنامه ها به ویژه در کلان شهرهاست. باید توجه داشت که فضا های شهری و برنامه های توسعه شهری باید ویژگی های دموکراتیک و قابل دسترسی بودن را برای همه گروه ها داشته باشند. توجه به فضا های شهری متناسب با نیاز های زنان، مشارکت زنان خانه دار در عرصه های اجتماع محلی، توجه به زنان آسیب دیده، تلاش برای ارتقای نقش مدیریت زنان و ایجاد شهری شاد و آرام، از مهم ترین رویکردهای نگاه زنانه به شهرهاست.

از یک سو، زنان دارای توانمندی ها و ظرفیت های بسیاری هستند که همگان به آن واقف اند. در برخی احادیث نیز از قول بزرگان دین بر این ظرفیت ها تأکید شده است. دیدن این ظرفیت بخشی از داشتن نگاه زنانه به توسعه شهرهاست. درباره لزوم توجه به زنان و جایگاه ایشان در برنامه های شهری، باید به دنبال نگاه زنانه در ساخت شهرها باشیم.

پیش نیاز این نگرش در برنامه های شهری وجود ناظران و افرادی به هوش است که این نگاه را یادآور شوند. رسانه ها به عنوان صدای رسای جامعه قادرند با نگاه هوشمند خود علاوه بر بررسی و رصد امور شهری و تحلیل کارکرد رخدادهای برنامه های شهری برای همه گروه های اجتماعی از جمله جامعه زنان، بستری فراهم برای ایجاد رضایت همه جانبه در جامعه به وجود آورند.

زنان جایگاه ویژه ای از لحاظ تربیتی دارند زیرا یک خانواده را تربیت می کنند و تربیت خانواده به نوعی تربیت جامعه است و باید اهمیت و شأن این جایگاه در جامعه دیده شود.

به موضوع دیده شدن، اهمیت دادن و مشارکت دادن زنان در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها از هر سمتی که نگاه شود ارزشمند است و به نفع همه اقشار جامعه خواهد بود.

رسانه و مطبوعات قادرند این الزام را در شهر پیاده و محقق کنند. موضوع تسهیل عبور و مرور در شهر، امکان تعلق داشتن به همه جای شهر، نظافت و روشنایی بیشتر در ایستگاه های قطار، اتوبوس و مترو، وجود توالت های عمومی بهداشتی برای زنان، بستر مراودات اقتصادی و نقش آفرینی دارای ارزش افزوده مالی، همه و همه، از الزامات ساخت شهرها با نگاه زنانه است که در رصد رسانه و مطبوعات باید مورد توجه قرار گیرد.

در واقع، موضوعات شهر باید با در نظر داشتن نیاز های همه اقشار تبیین شود.

پر واضح است که وجود نشریات اختصاصی به دغدغه های حوزه زنان و به الزامات ساخت شهر با در نظر داشتن نگاه زنان از ضرورت هاست.

بنابراین رسانه های زنان اگر در شهرها دیده شوند، می توانند چشم و گوش مدیران شهری باشند، رسانه هایی که می دانند دغدغه اصلی شهر چیست و چه باید کرد. غفلت از حوزه زنان، بی گمان زمینه ساز آسیب های اجتماعی است و چه خوب است که بتوان از طریق مطبوعات و رسانه ها به مشکلات زنان بیش از پیش آگاه بود.

در این میان، حمایت از فعالان حوزه زنان، بانوان خبرنگار و همه کسانی که دغدغه اصلی آن ها ارتقای جایگاه زنان و نیز رفع موانع و مشکلات است می تواند راهگشای بهبود مسیر باشد.



ملیحه غیور
مدیر مشارکت های بانوان حفظ ارزش های دفاع مقدس استان خراسان

جامعه پذیری زنان ایرانی ۱۵ سال پس از قیام مشروطه

است. با درک این موضوع، مدیران و مردان جامعه باید به سطحی از رشد اجتماعی و فرهنگی برسند و بدانند که محدود کردن زنان چیزی جز محروم شدن کل جامعه از استعدادها و توانمندی های زنان که رشد جمعی را به دنبال دارد در بر نخواهد داشت.

در پایان، چند نظر و بیان از فرمایشات رهبر معظم انقلاب را از نظر می گذرانیم و دیدگاه ایشان را درباره نقش پذیری و وظایف زنان مرور می کنیم تا چراغ راهی شود برای مردانی که بعضاً پایشان را از اسلام فراتر نهاده اند یا نگاه جنسیتی شان آن قدر به نگاه انسانی می چربد که حضور صحیح و سالم زنان در جامعه را تحت الشعاع قرار داده است.

* اگر کسی بگوید مرد می تواند درس بخواند، زن نمی تواند، مرد می تواند درس بگوید، زن نمی تواند، مرد می تواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمی تواند، مرد می تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی تواند، منطلق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است. از نظر اسلام، در همه این فعالیت های مربوط به جامعه بشری و فعالیت های زندگی، زن و مرد دارای اجازه مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست چون با ترکیب جسمانی آن ها تطبیق نمی کند. بعضی کارها هم هست که باب مردان نیست چون با وضع اخلاقی و جسمی آن ها تطبیق نمی کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می تواند در میدان فعالیت های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار بر حسب امکانات و شوق و زمینه های اقتضای این کار است.

* این که می فرماید «من اصبح لا یهتم بأمور المسلمین فلیس بمسلم» مخصوص مردان نیست. زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه اسلامی و امور جهان اسلام و همه مسائلی که در دنیا می گذرد، احساس مسئولیت کنند و اهتمام نمایند چون وظیفه اسلامی است.

* بعضی افراط می کنند، بعضی تفریط می کنند. بعضی می گویند چون فعالیت اجتماعی اجازه نمی دهد به خانه و شوهر و فرزند برسیم، پس فعالیت اجتماعی نباید بکنیم. بعضی می گویند چون خانه و شوهر و فرزند اجازه نمی دهد فعالیت اجتماعی بکنیم، پس شوهر و فرزند را باید رها کنیم. هر دو غلط است. نه این را به خاطر آن، نه آن را به خاطر این، نباید از دست داد. (بیستم اسفند سال ۱۳۷۵)

انقلاب مشروطه، انقلابی که زنان نقش بسزایی در برپایی آن داشتند، سرآغاز شروع فعالیت های اجتماعی و فرهنگی به ویژه در راستای ادبیات و نشریات شد.

شروع حرکت ها و فعالیت های زنانه بسیار سخت بود. مادام مار لا سرناد سفرنامه خود درباره زن ایرانی می نویسد: در اندرون زن ها کم می نویسند و کم کتاب می خوانند. کتاب و قلمدان جای خود را به آینه و سرمه دان داده است.

تولید کتاب و نشریات ویژه زنان پس از انقلاب مشروطه رفته رفته افزایش یافت. در این میان می توان به کتاب «فضیلت انسانیت است، نه به مرد و زن بودن» و «نامه بانوان»، چهارمین روزنامه ویژه زنان، اشاره کرد. در صدر این روزنامه آمده است: برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستم کش ایران. می بینیم وضعیت زنان چنان اسفبار بوده است که خود زنان به راحتی از واژه «بیچاره» استفاده کرده اند. در آن دوران، گاهی غیرت جاهلی مردان باعث هرز رفتن انرژی و منابع در جامعه می شد و پیامدان، جامعه از توانمندی و استعداد ۵۰ درصد جمعیت خود محروم بود. اکنون پس از ۱۱۵ سال که از انقلاب مشروطه می گذرد، هنوز هم زنان از برخی حقوق خود برای حقی دیگر دست می کشند. این در حالی است که فعالیت های اجتماعی منافاتی با وظیفه مهم فرزند پروری و همسر داری ندارد. اگر چه مسئولیت مهم و اساسی فرزند پروری و همسر داری در کنار فعالیت اجتماعی سخت است و بار بیشتری بر زنان تحمیل کرده است، برای زنان محدودیتی ایجاد نمی کند.

البته بعد از ۱۱۵ سال، باز داریم به همان نقطه می رسیم که زنان ایرانی به جای نوشتن، خواندن و انجام فعالیت های اجتماعی و سیاسی مناسب و ارزشمند، به آینه و سرمه دان می پردازند. در این برهه زمانی که از غیرت جاهلی مردان چیزی باقی نمانده است، کمتر زنانی هستند که از این فرصت در راستای رشد فعالیت های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی استفاده کنند. دلیل این فرصت سوزی ها هنوز هم نگاه معیوب جنسیتی و فرهنگی مردان به رشد و تعالی زنان است.

زنان برای ثابت کردن خود به جامعه باید تلاشی چند برابر مردان از خود بروز دهند. مسیر تعالی ای که جامعه برای مردان کرده مسیر کم دست اندازتری

جهاد تبیین و بانوی ایرانی

هنگامه



مهدی تگلو
کرشناس ارشد جامعه‌شناسی

«زنان به لحاظ آمار، نیمی از جمعیت و به لحاظ آثار، بیش از نیمی از جمعیت هستند»، «زنان نقش بسزایی در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند» و جملات مشابه که سال‌هاست ابتدای هر سخنرانی، یادداشت و... طرح می‌شود و تلی از مفاهیم و عبارات گل درشت از این دست که نقل محافل و گعده‌هاست، یک پیام واضح دارد: مادر یک ناجایآباد معرفتی گرفتار شده‌ایم.

مسئله تبیین متناظر است با مفهوم گفتمان، و گفتمان فارغ از تعریفش، دست کم یک سطح تبیینی و یک سطح روایی دارد. میان این دو سطح نباید خلط کرد. سطح تبیینی با اندیشه و نظر مزوج است و سطح روایی نوعی رویکرد اشاعه‌ای دارد. موضوع تبیین و روایت حقیقت است. با این تفکیک که حقیقت در سطح روایی، در نقطه مقابل کذب و دروغ معنا می‌شود، اما در سطح تبیین حقیقت یک نقطه نیست بلکه واجد عمق و لایه‌بندی است. جهاد تبیین نوعی جهاد علمی است با مضمون اینکه حقیقت - در کنه و ذات خود - کاوش و فهم بشود. بنابراین ظرفیت تبیین به انتشار و زور رسانه‌ای آن و گزارش و خبر نیست، بلکه به میزانی که از حقیقت عالم فهم کرده‌ایم متوجه است. بر همین اساس، به اندازه‌ای که ساحت تبیینی قوی‌تر و پرمایه‌تر باشد، کار در مرحله روایت ساده‌تر است. نیرومندی تبیین از آنجا که از عمق حقیقت نضج می‌گیرد، به همان میزان، گستره سطح روایی را نیز افزایش می‌دهد. بنابه فهم من، عرصه تبیین نوعی سیر عمودی در ساحت حقیقت است و عرصه روایت نوعی حرکت افقی در آن. تبیین برد حقیقت است و دامنه آن از مسیر روایت تأمین می‌شود. تبیین الزام‌نامی تواند نوعی کار علمی مجرد از جامعه و فضای گفتمانی به حساب بیاید اما به نظر می‌رسد تا در ساحت اندیشه، نظریه و پاسخ به پرسش‌های کلان هستی‌شناختی دستمان پر نباشد، ساحت تبیین را با ساحت روایت اشتباه گرفته‌ایم و گرفتار مجادله‌های اینستاگرامی و رسانه‌زده خواهیم شد. گفتمان سنت در باره زن با چنگ زدن به ادبیات دینی و به دلیل قدمت تاریخی و گفتمان غربی به واسطه تولیدات نظری متراکم‌تر هم چنان در نزاع گفتمانی پیشتانزد. القصه در حوزه زنان، کار گفتمانی با همایش‌های «زنان تمدن ساز» و و این‌ها پیش نمی‌رود. هنوز در سطح عمیقی از بحث‌های نظری و فلسفی مسائل متعددی از منظر سنت حکمی و دینی ما بی‌پاسخ مانده است و تا در این ناحیه بسیج علمی شکل نگیرد، در لایه‌های بیرونی‌تر اندیشه، مجبور به کلی‌گویی و تکرار بیانات رهبر معظم انقلاب و... هستیم! اینکه زنان در وقوع انقلاب نقش بسزایی داشتند، دیگر کاربردی در امروز ما ندارد. امروز با سه دهه تأخیر، باید «طرح نو» از هویت استمراری زن تولید کنیم!

شماره

شهر بانو

۲۳ آشفند ۱۴۰۰
۱۱ اشعان ۱۴۴۳ شماره ۳۶۴۸

(۳)

تشی



سعیده آل ابراهیم
روزنامه‌نگار

«شهربانو»؛ توشه راه آینده

از زمانی که شروع به قلم زدن در شهربانو کرده‌ام، همیشه برایم راوی حس خوب، امید به زندگی، رونق، سرزندگی، بانوان شادمان، حس حیات و هزار و یک جور انرژی و احساس مثبت بوده و همچنان نیز است. تصورش را بکن در میان انبوهی از خبرهای تلخ و ناگوار که هر روز در جامعه خودمان با آن سوی مرزها در قاب تلفن‌های همراهمان می‌بینیم و می‌شنویم، با بانوانی هم کلام شوی که با همه مشکلات، پای کار ایستاده‌اند. آن‌ها ذاتشان، یعنی حس مادرانگی اصیل، را بروز داده‌اند و نه تنها به حال خوب خود بلکه به حال خوب زنان دیگر نیز فکر می‌کنند. بارها و بارها به عنوان گزارشگر وارد دنیای بانوان کارآفرینی شدم که در کارگاه یا حتی در گوشه‌ای از خانه نقلی‌شان کسب و کاری راه انداخته و پای بانوان دیگر را هم به این کار باز کرده بودند که خروجی آن نه تنها کسب درآمد بلکه عزت نفس و حس مفید بودنی بود که شاید بعضی از این زنان، سال‌ها از وجود چنین احساسی در درون خود بی‌خبر بودند. بسیاری یا شاید بهتر است بگویم همه زنانی که در شهربانو سوژه روایت قصه‌هایمان شدند، یک روز طلایی در زندگی‌شان ایده‌ای ناب به ذهنشان رسید و آن را عملی کردند یا به ته خط رسیدند. باز هم برای دور بعدی شروع به مبارزه کردند. آن‌ها برایم به الگو تبدیل شده‌اند. از هر کدام یک جمله را همچون توشه راهی دراز در جیبم جا داده‌ام تا هر جا گریه به کار افتاد، با یک جمله انرژی از دست رفته‌ام را بازگردانم و باز هم ادامه دهم و بدانم که هیچ چیزی محال نیست. یادم می‌ماند که بانو سمانه احسانی نیا در حالی که سال‌ها از قطع نخاعش می‌گذشت به من گفت هنوز به پیشرفت علم امید دارد و می‌داند که روزی می‌تواند روی پاهای خودش بایستد. یادم می‌ماند بانو نادیا شایسته بعد از فوت ناگهانی همسرش و با وجود مخالفت‌ها کاری را که هیچ سرشته‌ای از آن نداشت دنبال کرد. یادم می‌ماند که بانو گلپهار حیاتی گفت زنان باید هنری برای روزهای تنهایی‌شان پیدا کنند و... خلاصه‌اش کنم. حرف‌هایی از جنس روایت‌های شهربانو به ادامه دنیا من و شما را خوش بین می‌کند. همیشه به زنان موفق اطرافتان نگاه کنید. آن‌ها فراز و فرودهای بسیاری را سپری کرده‌اند تا به اینجا رسیده‌اند. همیشه دلمان می‌خواست می‌توانستیم کمی آن‌ها را فارغ از قاب تلویزیون و آدم‌های دست‌نیافتنی ببینیم بلکه شاید به قول سهراب، اگر چشم‌هایمان را بشوئیم، جور دیگر ببینیم.

دکتر مهناز دیهیم

دکتری حقوق بشر



نرگس

توانمندسازی زنان؛ اصل توسعه پایدار و متوازن

توانمندسازی یک زن از سال‌های کودکی و نوجوانی‌اش آغاز می‌شود، زمانی که او را از حقوق اولیه‌اش آگاه کنیم تا خود را به عنوان یک شهروند به رسمیت بشناسد، هنگامی که با او مهارت‌های زندگی را تمرین کرده باشیم. این در حالی است که بنا بر تئوری، این حقوق در بدو تولد برای همه انسان‌ها به رسمیت شناخته شده است. زن در وجه ساختار اجتماعی چه در جامعه کهن باستانی، جامعه برده‌داری، جامعه فئودالی و چه در جامعه سرمایه‌داری، وارث رنج‌های تاریخی است. آن‌ها یا به نام سنت در خانه حبس شده‌اند و مفهوم ممنوعه را با خود یدک می‌کشند یا به نام مدرنیته، ابزار فرهنگ تبلیغ و تشویق مصرف‌شده یا به کالایی در مناسبات بازار و منبعی برای کسب درآمد قرار گرفته‌اند.

در قرون وسطی دو قطب قدرت و قانون‌گذار حق هرگونه آزادی از زنان را سلب کرده بودند. زنان تابع شوهرانشان بودند و شوهر حق هرگونه رفتاری را حتی زدن و کشتن داشت. آن‌ها زنان را فاقد ویژگی‌های شهروندی می‌دانستند و معتقد بودند: زنان باید در خانه بمانند، خانه‌داری کنند و بچه به دنیا بیاورند و بزرگ کنند.

درست است که زن و مرد از ابتدا حقوق برابر داشته‌اند و حتی در دوره‌ای مادر یا زن‌سالاری را شاهد بوده‌ایم، اما انقلاب صنعتی رشد اقتصاد و توسعه مالکیت و انباشت کالا، تمرکز ثروت در دست عمدتاً مردان، گرایش به سمت تمرکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را به همراه آورد و رفته‌رفته زنان را در جایگاهی نابرابر قرار داد اما گسترش توجه جهانی به حقوق بشر و دستاوردهای گوناگون همراه با حرکت‌های استعمارزدایی، پیشرفت زنان را تقویت کرد.

نظریه‌پردازان حقوق زنان معتقدند برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله طی شود: مرحله اول، رفاه مادی است. باید امکانات مادی برای دختران و زنان فراهم شود. در مرحله دوم، زنان باید به عوامل تولید کارهای مولد خدمات و آموزش مهارت‌ها که استخدام و تولید را ممکن می‌کند و حتی محصول و دست رنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند مشکلاتشان مربوط به فرهنگ است و می‌توان آن‌ها را تغییر داد. در مرحله مشارکت نیز زنان در همه برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند.

در جامعه ایرانی، اگرچه امروز جامعه‌شناسان تلاش می‌کنند مشکلات علوم انسانی را مطرح کنند، هنوز در طیف گسترده‌ای از زنانی که سرمایه اجتماعی و اقتصادی دچار مقابل توجهی ندارند، نتوانسته‌ایم به خوبی مدیریت کنیم. هنوز زنانی که مهارت‌های کافی برای زندگی در دنیای مدرن را ندیده‌اند فراوان داریم.

چیزی که مسلم است این است که دختران جوان امروز به سبب آشنایی و دسترسی سریع به اطلاعات روز دنیا، برای زندگی بهتر، به آموزش نیاز دارند. این بهبود جز با به رسمیت شناختن و اهمیت دادن به توانمندی آن‌ها و شکوفا شدن استعدادها فراهم نخواهد آمد. بنابراین باید تلاش کنیم با برنامه‌های به‌روز، با برگزاری جلسات هم‌اندیشی، به‌زودی راهی برای بهتر شدن زندگی آن‌ها پیدا کنیم.



آغاز ۴ سالگی شهر بانو

در آستانه چهارمین سال انتشار «شهربانو»

گوشه‌ای از زندگی زنان را روایت می‌کنیم که برای همه ما خاطره ساختند

نوشتن از چهار سال پرفراز و نشیب شاید صفحات زیادی بطلبد که آدم بخواهد آنچه در ذهنش می‌گذرد بازگو کند. شب‌های کوتاه تابستان را به هم وصل کردیم و سرمای زمستان را در کوتاهی روزهایش ضرب کردیم تا بتوانیم از زنان بگوییم بدون جانب‌داری، بدون نگاه سیاسی، بی آنکه بخواهیم از این بخش که همیشه طرف‌داران خود را دارد به قول معروف برای خودمان قبایی بدوزیم. ما تلاش کردیم زنان شهرمان را با چهره واقعی و دغدغه‌هایشان بنویسیم. از آسیب‌های اجتماعی گفتیم اما می‌دانیم هنوز مسیری طولانی در پیش داریم. شهر مشهد نیازمند حمایت از زنان و نشان دادن مشکلات آن‌هاست. در این بخش، بنا به ضرورت، از چند بانوی فعال که در یک سال گذشته با آن‌ها گفت‌وگو داشتیم خواهیم گفت.



حمیده وحیدی

شهر بانو

شهربانو

۲۳ اسفند ۱۴۰۰
شماره ۱۴۴۴ شماره ۳۶۲۸

۴

مادر نمونه کشور

فداکاری را به ما آموخت

✚ بانو مریم کارگر عزیزی

بعضی آدم‌ها یک جوری در زندگی‌ات می‌مانند که دلت بی‌امان دستور می‌دهد بودنشان را پیش همه آدم‌هایی که می‌شناسی تکرار کنی! طوری هم از آن‌ها حرف می‌زنی که گویی همیشه برایت تازه‌اند و کهنگی هرگز در کلامت معنایی ندارد. بانو مریم کارگر عزیزی فاغ از همه مدال‌های بی‌نشانی که از مادرانگی بر سینه داشت، برایم این گونه بود، از همان وقتی که در سال ۹۵ یک ملاقات بهانه‌ای شد تا هرگز فراموشش نکنم. هنوز روضه‌نذری ایام دهه فاطمیه را برای همسر و پسر مقفول‌الاثرش که سال‌ها بود در گوشه بهشت رضا^(ع) آرامیده بودند می‌خواند. عنوان مادر و خواهر و همسر شهید باعث شد مدام به این فکر کنم مگر می‌شود یک آدم تا این اندازه دست از دلش بکشد و بی‌توقع از زندگی، هر چه دارد ببخشد. سال‌ها دل تنگی‌هایش را کجا خاک کرده که هیچ‌وقت صدایش در نیامده است؟

بعد از چاپ مصاحبه با این بانوی عزیز و بزرگوار، جمعی از مدیران شهری و خادمان خدمتگزار مردم مشهد به دیدار ایشان رفتند و ضمن تقدیر از مقام این بانوی عزیز که فخر زنان مشهد است، قرار شد کتاب سرگذشت ایشان چاپ شود. اگرچه در شرایط فعلی کسالت و یادآوری خاطرات حالش را مکدر کرده است، با پیگیری‌های انجام‌شده، امیدواریم در سال آینده یکی از کتاب‌های خوب در زمینه ایثار و فداکاری و مادرانه را انتشار دهیم.

کارآفرینی از دل ضایعات

✚ بانو فرشته نقوی

با فرشته نقوی وسط اطلاعات و آمار دفتر یک مسئول آشنا شدیم وقتی می‌گفت زنی را می‌شناسد که از دل ضایعات برای تعدادی بانو در حاشیه شهر اشتغال ایجاد کرده است. کارآفرینی شاید به حرف ساده باشد، اما در واقعیت، دشواری‌ها و حتی از خودگذشتگی‌هایی لازم دارد تا به نتیجه برسد. این افراد آدم‌های دغدغه‌مندی هستند که می‌خواهند تعداد بیشتری از مردم از خیر و برکت کار آن‌ها بهره‌مند شوند. ما در بولوار شاهنامه زنی را دیدیم که در حوزه بازیافت و آسیاب مواد و ضایعات پلاستیکی در مشهد فعالیت می‌کرد. با اینکه در تصور بیشتر ما بازیافت شغلی مردانه محسوب می‌شد، او همه کارکنان خود را نیز از میان زنان انتخاب کرد و کارگاهش به پاتوقی برای کسب رزق حلال تبدیل شد.

فرشته خانم می‌دانست که می‌تواند کارش را گسترش دهد اما هنوز در پیچ و خم کارهای اداری و سنگ‌اندازی‌ها مانده بود. او را زنی دیدیم که در صورت حمایت مسئولان شهری، می‌توانست به زنان یک منطقه در حد توان کمک کند.

چترها تان را گشودید و آفتاب آوردید

✚ بانو فرشته قانع، بانو سیده ساجده موسوی و بانو سمیه رسولی

در هنگامه روزهای تلخ تابستان که کرونا در مشهد بیداد می‌کرد و خبرهای تلخ و مرگ و بیماری‌ها بر شهر سایه انداخته بود، با دو پزشک و یک پرستار آشنا شدیم که به صورت عام‌المنفعه و جهادی در تلاش برای نجات جان مردم و زنان بودند، زنان جوانی که با خود عهد کرده بودند لباس سفیدشان را با روح و روان تازه پیوند بزنند. قرارگاه شهید سلیمانی از ۲۰ مرداد در مشهد با همراهی پزشکان و پرستارانی که به صورت جهادی فعال بودند، آغاز به کار کرد. آن‌ها همان رزمندگان خط مقدم بودند که دلشان راضی نشد در آن روزهای آشفته، بیماران را به حال خود رها کنند. آن‌ها خطر ابتلا به کرونا را قبول کردند و حتی از خوشی‌های کوچک زندگی خود در کنار خانواده‌شان دل‌کنند. دکتر فرشته قانع، دکتر سیده ساجده موسوی و سمیه رسولی، پرستاری از نسل دهه هفتادی، شدند همان نسل جدیدی که شاید برخی سن و سال دارها باور نکنند از خودگذشتگی و نوع دوستی میان تار و پود وجودشان تنیده است. آن‌ها تنها چند نمونه از بانوان جهادگر در حوزه سلامت بودند که بدون هیچ اجباری و خودخواسته، پای کار آمدند تا حتی شده یک بیمار کرونایی راحت‌تر نفس بکشد و زودتر به زندگی عادی برگردد.



چتر هانده با عطر نان

✚ بانو قدسیه صمدی و بانو ریحانه اکبری

مادر چشم و چراغ محله بود. تعدادی از بانوان سرپرست خانوار در کنارش همیشه نان و روزی شان را برده بودند. قدسیه صمدی و ریحانه اکبری، مادر و دختری بودند که سال ها در کنار یکدیگر کارآفرینی کرده اند. در سفر استانی انسبه خزعلی، معاون رئیس جمهور در امور زنان، از آن ها تقدیر شد. از طرفی نیز در عرصه گیاهان دارویی و زنبورداری فعال بودند. مادر و دختر سال ها در کنار هم زندگی کردند. مادر در کنار



نوه داری، بهترین معلم برای دخترش نیز بود. ریحانه اکبری، اولین فرزند و تنها دختر قدسیه صمدی، ۱۵ سال پیش، در بازار گل مشهد، در حوزه بنکداری گیاهان طبیعی خشک شده فعالیت می کرد. ۵۰ نیروی کار داشت و به افغانستان و عراق صادرات انجام می داد. بیشتر نمایشگاه های بین المللی را شرکت می کرد. حالا مادر و دختر بهترین مبلغ برای کار خانوادگی بودند و معتقد بودند اگر اعضای خانواده در کنار قرار بگیرند، خداوند هم نگاه ویژه ای به آن ها خواهد داشت.

صدای چکش تابوت شهدا قطع نمی شد

✚ بانو زهرا قیداری



وقتی خبر درگذشت ناگهانی خانم قیداری را شنیدیم، تصاویر زیادی در ذهنم گذشت. ابتدا باورم نشد. دلم می خواست مانند بسیاری از شایعات دروغ باشد و وقتی دلم از زمین و زمان گرفته بود و نیازمند صدایی گرم بودم، مهمان خانه اش شوم. از پنج سال پیش که با او گفت و گو کردیم تا حالا دلدادگی ام به بانوی مقاومت و الگوی زن مسلمان حقیقی روز به روز بیشتر شده است. آن مصاحبه همان زمان هم گل کرد و بعدها به واسطه اخلاص در کلام خانم زهرا قیداری، توانست جایزه ملی جشنواره «زن و خانواده و رسانه» را کسب کند، زنی که خاطرات زندگی اش از روزهای اول جنگ و بمباران بیمارستان صحرایی شبیه گوشه ای از فیلم های عجیب و تلخ بود. همیشه با خودم فکر می کردم خاطرات خانم قیداری سند مظلومیت همه زنان و مردانی بود که در شرایط سخت، با خون خود، وجب به وجب خاک ایران را حفظ کردند. بغض رفتن خانم قیداری بی گمان سال ها باقی خواهد ماند و شاید بهترین حرف از او همان صحبت هایش باشد. برای همین، دوباره در باره بانوی آب و آیین در شهر بانو به او یک صفحه اختصاص دادیم، زنی که در روزهای اول جنگ، به همراه دو پزشک هندی در یکی از بیمارستان های صحرایی، به مجروحان کمک کرد و متأسفانه هرگز کتاب خاطرات خود را ندید. بعدها با پیگیری هایی که انجام دادیم، متوجه شدیم سرگذشت خانم قیداری قرار است بعد از پرسشیدنش از دنیا چاپ شود. حیف که این زنان و مادران نمونه را از دست دادیم و هرگز قدرشان را ندانستیم.

تلفنی که پس از مرگ صاحبش روشن ماند

✚ بانو نادیا شایسته



نادیا شایسته تولید کننده قطعات سنگین خود را بود. فکرش را بکن! سال ها برای رؤیایی که در سر داری با همراه زندگی ات تلاش می کنی، امیدواری که روزی سخت تمام می شود و به مقصد دلخواه می رسی، اما چند قدم مانده به مقصد، همراهت را از دست می دهی. سخت است که بخواهی تنها به مسیر ادامه دهی. نادیا شایسته از آن دسته آدم هایی بود که با وجود غم از دست دادن همسرش، نگذاشت شعله رؤیای مشترکشان خاموش شود. بعد از فوت همسرش، یک تنه کسب و کاری را که در اذهان همه ما سخت است به دست می گیرد. تک به تک برنامه هایی را که تا پیش از این با همسرش مرور می کردند عملی می کند و این روزها صاحب یک برند در تولید قطعات ماشین های سنگین است. او با وجود موج انبوه مخالفت ها، دل به دریای این کسب و کار می زند و اکنون تولید کننده پیستون ترمز و کلاچ ماشین های سنگین، عضو انجمن قطعه سازان و کانون زنان بازرگان است. به گفته خودش، بارها شده بود مشتریان به کارگاه آمده بودند و به دنبال مدیر می گشتند و زمانی که او را با لباس کار دیده بودند، چشم هایشان از تعجب گرد شده بود! شاید خیلی ها گمان می کنند زنی که در کاری که به اصطلاح عامیانه «مردانه» تلقی می شود کار می کند به مرور روحیات زنانه و لطافتش از بین می رود. با اینکه آثار این کار روی دست های شایسته خود را نمایان کرده بود، روحیات زنانه را درون وجودش حفظ کرده بود. این را می شد از طراوت و سرسبزی گل ها و گیاهان گوشه خانه فهمید. بعد از چاپ مصاحبه این بانوی عزیز، علاوه بر گروه ها، کانال رسمی معاونت زنان ریاست جمهوری نیز این گفت و گو را منتشر کرد.

صبح یک برادر را تشییع و عصر برادر دیگر را بدرقه کردیم

✚ بانو مهین اسماعیل زاده



مهین اسماعیل زاده روز عکاسی در مجموعه «آیه ها» قصد داشت یک مادر شهید مفقود الاثر دیگر را هم دعوت کند و به ماتا کید کرد حتماً سرانجامش برویم، مادر شهید شانزده ساله ای که وقتی توی جاده های خالی صحنه بازسازی شده عملیات «کربلای ۵» دست در دستان راه می رفت، به تانک های کهنه نگاه کرد و گفت: خدا لعنت کند آن هایی را که از روی فرزند انمان با این ها رد شدند. دلش خوش بود به جوان ها، به همان دهه شصتی ها و دهه هفتادی هایی که با وجود نامهربانی های برخی مسئولان، باز هم غیرت وطن دوستی دارند و احترام مادر شهید را نگاه می دارند. باور داشت هرچانیاز باشد، رگ غیرتشان اجازه نخواهد داد کشور را تنها بگذارند. مهین خانم حتی راضی نشد مراسم تشییع برای روح پسرش برگزار کند تا مردم به زحمت نیفتند. حالا هم یک گوشه از این شهر، در کنار خادمی حرم امام رضا^(ع)، بدون سهم خواهی زندگی می کند. قصه جلد این شماره شهر بانو صرفاً ساعتی از زنی است که می خواهد کمتر دیده شود و کمتر حرف زده است. مهین خانم این روزها از عملکرد برخی مسئولان که خون شهدا را نادیده گرفته اند و حواسشان به شرایط روز اقتصادی مردم و جوانان نیست ناراضی است. تاکید داشت که حتماً بنویسیم: قسم به خون شهید، مسئولان مراقب رفتارشان باشند! ببینند که جای چه کسانی نشسته اند. فردای قیامت، ما با هم روبه رو خواهیم شد. پنج نفر از خانواده من رفته اند. اگر سه شهید هم ببخشند، دو نفر دیگر راضی نخواهند شد. همه مسئولان باید روبه روی این شهدا و مادران آن ها جواب گو باشند اگر چیزی برای کمک به مردم در توان داشته اند و انجام ندادند. بعد از چاپ در ویژه نامه فرهنگی شهر بانو، از این مادر و خواهر نمونه شهید در صحن علنی شورای شهر مشهد به پاس گوشه ای از فداکاری هایش تقدیر شد.

شهرزاد موزه ها



در فریمان، خانه موزه قزایی رشتخوار و موزه مازاری تربت حیدریه اشاره کرد.

از طرفی، به دلیل علاقه و تجربه در بحث کمک به آسیب های اجتماعی از طرف مجموعه شهر بانو، این بانوی فرهیخته به مسئول قضایی در کمپ های ترک اعتیاد معرفی شد و ماه ها به صورت عام المنفعه برای زنان آسیب دیده خدمت کرد.

کشش و علاقه آن قدر زیاد بود که پس از ادامه تحصیل در رشته انسان شناسی بصری در آلمان، به وطن بازگشت تا به سهم خود در آشکارسازی تاریخ و هویت پنهان شرق ایران بکوشد. او ۱۲ پروژه تأسیس موزه تخصصی جدید در این حوزه جغرافیایی فرهنگی را هدایت کرده که هر کدام به محتوای تخصصی خاصی متناسب با ویژگی های تاریخی و فرهنگی هر شهر در خراسان اختصاص یافته است. از جمله این پروژه ها می توان به موزه دانشگاه فردوسی مشهد، موزه موسیقی تربت جام، موزه نسخ خطی تایباد، خانه موزه شهید مطهری

✚ بانو بیتا بابلیان

تعداد افرادی که در کشور شغل موزه داری دارند به شمار انگشتان یک دست هم نمی رسد، چه برسد به اینکه یک بانو در مسیر پرچالش شکل دهی یک موزه قدم بگذارد. بیتا بابلیان از زمانی که به یاد دارد، دل در گرو تاریخ اندیشه و زیست انسان و میراث فرهنگی داشته است که در موزه ها بیان و تجلی می یابد. تماشای آثار مختلف در موزه ها و روایتی که از طریق آن ها بیان می شود او را از تونلی به سفر در زمان می برد. برای او، این



✚ بانو زهره گودرزی

گفت و گو با زهره گودرزی که ۲۱ سال زندگی اش را وقف نیازمندان کرده است و ۴۱۷ فرزند دارد، برایمان جذاب بود. شاید خیلی هایمان برای کمک به دیگران تصور کنیم باید خودمان همه چیز داشته باشیم، بعد با خیال راحت، تازه اگر بتوانیم، از پول های اضافه برای کمک به افراد بی بضاعت استفاده کنیم. به نظر می رسد اصل نیت کمک کردن این است که خودت چندان دارا نباشی و باز هم توانی از مالی که در اختیار داری به دیگران ببخشی. این کار دل بزرگی می خواهد که برای دوست داشتن همه آدم ها جا داشته باشد، دلی که در آن جایی برای طمع نباشد. زهره گودرزی از آن دسته آدم هایی بود که هر چند خودش هنوز مستاجر بود و می شد گفت زندگی مرفهی نداشت، وسعت کمک هایش بیش از آن بود. او حامی ۲۱ کودک یتیم بود و به گفته خودش، سرش برای کمک به دیگران درد می کرد. ضمن اینکه این اواخر آزادی زندانیان را هم چاشنی کار خیر کرده بود. عجیب تر اینکه به فاصله چهار هفته که از مصاحبه ما با او تا چاپ گذشت، ۹ زندانی آزاد کرده بود. همین برای ما امیدبخش بود که الگوی ویژه ای از یکی از زنان دغدغه مند و دلسوز را معرفی می کنیم. ارتباطمان با خانم گودرزی بعدها برای معرفی دیگر افرادی که در شرایط سختی قرار گرفته بودند حفظ شد و آن بزرگوار خواهرانه به این افراد کمک کرد.



✚ بانو زهره افشارنژاد

نخستین بانوی دارنده دکتری ریاضی در خراسان رضوی از فراز و نشیب زندگی و تدریس با ما به گفت و گو نشست، کسی که بسیاری از دانشجویانش بعد از فارغ التحصیلی در دانشگاه، حالا به قول معروف برای خودشان سری در سرها آورده بودند. دکتر زهره افشارنژاد است، اولین بانوی دارنده مدرک دکتری (پی ایچ دی) در خراسان که پس از تحصیل در انگلستان، سال ۷۳ درجه دانشیاری و سال ۸۱ درجه استادی را دریافت کرد. در خانواده متوسط اما فرهنگ دوستی که داشت، خیلی طول نکشید که علاقه اش به ریاضیات را کشف کرد. در ضمن، خواهر بزرگش اولین خانم معلم در دبیرستان های مشهد بود. به همین دلیل، او را الگوی خود قرار داده بود تا معلم شود. زمانی که لیسانس خود را در مشهد گرفت، آرزویش به حقیقت تبدیل شد و در مدرسه علم (تیزهوشان) معلم شد. هنوز یک سال نشده بود که متوجه شد به دلیل اینکه شاگرد اول بوده است، بورسیه تحصیل برای خارج از کشور شامل حال او می شود. او کوچک ترین عضو خانواده بود که باید یک تنه برای آینده اش وارد مسیری جدید می شد. افشارنژاد با موافقت خانواده به انگلستان رفت و بدون وقفه تا مقطع دکتری تحصیل کرد. از آن روز که برای خدمت پا به ایران گذاشت ۴۳ سال می گذرد. او در همه این سال ها، دانشجویان زیادی را برای کشف هرچه بیشتر کاربردهای ریاضیات هدایت کرده است. گفت و گو با این بانوی فرهیخته و استاد گران قدر دانشگاه فردوسی برای خودمانیز ارزشمند بود، شاید که توانسته باشیم گوشه ای از دنیایمان را به جامعه علمی کشورمان ادا کنیم.



بزرگ بانوان زندگی

✚ زنان سرپرست خانوار و مشکلات بی اندازه آنها

مشکلات اقتصادی زنان سرپرست خانوار را نمی توان کتمان کرد اما خستگی روحی شان از بار روانی ای که جامعه به آنها تحمیل می کند بیش از پیش به نظر می رسد. شاید مانند خیلی از مشکلات دیگری که هم نوعان ما را آزار می دهد و کاری از دستان ساختن نیست، برای زنان سرپرست خانوار هم نتوانیم کاری انجام بدهیم، اما دست کم می توانیم آن ها را با حرف یا نگاه آزار ندهیم و سعی کنیم با حمایت، باعث تقویت اعتماد به نفسشان شویم. دولت و دستگاه های مربوط نیز باید فکری برای کمک به اقتصاد این خانواده ها کنند و برنامه ای برای ارائه خدمات مشاوره ای به این زنان داشته باشند. سخن گفتن با زنان سرپرست خانوار کار آسانی نیست، آن ها که به تعداد سال های زندگی شان سکوت کرده اند و به اندازه همه روز های زندگی شان صبر را هر بار بیش از روز قبل تمرین کرده اند. فرقی نمی کند چه سن و سالی دارند یا حتی مهم نیست به دلیل جدایی، مرگ همسر یا متارکه عنوان «سرپرست خانوار» را به دوش می کشند. موضوعی که اهمیت دارد این است که آن ها تک و تنها راهی را که ناهموارتر از قبل شده است و گاهی سنگلاخ مسیر زخمی شان کرده است، باز هم ادامه می دهند. خیلی هایشان از جایی به بعد خود را فراموش می کنند و همه وجودشان را صرف فداکاری برای فرزند یا فرزندان و حفظ آبروی زندگی شان می کنند، آبرویی که از آسایش خود که هیچ، از نان شب هم برایشان واجب تر است. درست است که این روزها هیچ کس در زندگی خود بدون مشکل نیست، اما این مشکلات برای زنان سرپرست خانوار ملموس تر و محسوس تر است. تا جایی که این موضوعات حل نشود، هنوز جای نوشتن از درد آن ها به جای خود باقی است. این زنان علاوه بر ایفای نقش پدر و مادری برای فرزندان، باید یک تنه از پس همه امور بیرون و داخل خانه بربیایند. بعضی از آن ها فرزند ندارند و خودسرپرست هستند، اما نقطه مشترک بین همه این بانوان مسئولیت سنگینی است که بر دوش می کشند. جدا از آن، دچار فشارهای روحی و روانی از سوی خانواده و جامعه نیز هستند. به همین دلیل، ممکن است زودتر دچار صدمه ناشی از آسیب های اجتماعی شوند. البته نمی توان این موضوع را انکار کرد که زنان سرپرست خانوار با غرور و استقلال سعی می کنند معاش خانواده خود را حتی به سختی تأمین کنند. ضمن اینکه خیلی از آن ها از پس سختی ها برمی آیند و با موفقیت خود، زندگی شان را طور دیگری رقم می زنند. ما در یک شماره مفصل تلاش کردیم از این زنان سرپرست خانوار بگوئیم، از مشکلاتشان صحبت کنیم، از حرف ها و نگفته ها که اگرچه می دانیم کم بود، قطعاً در آینده نیز به آن ها خواهیم پرداخت و به گوش دیگران خواهیم رساند.

واقعیت اجتماعی زندگی امروز و نیازهای زنان

پذیرش حضور فعال زنان در جامعه فراتر از یک انتخاب است



دکتر مهتاب علی نژاد
دکتر جامعه‌شناسی

امروزه این یک ضرورت است که بپذیریم زنان به واسطه تجربه‌شان در درک تفاوت‌ها همواره یک لایه عمیق‌تر می‌بینند. زنان به واسطه موقعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بیولوژیکی که دارند دارای نوعی وسعت وجودی هستند که به آنان امکان درک تفاوت‌ها را داده است. این نکته مهم را بسیاری از زنان اندیشمند که جهان زیسته اجتماعی و جامعه را با نگاه تخصصی خود ارزیابی می‌کنند بارها و بارها خاطر نشان کرده‌اند.

+ ارزیابی تخصصی زنان اندیشمند در چه زمینه‌ای انجام می‌شود؟

در تاریخ اجتماعی جامعه و رویدادهایی که روزانه میلیون‌ها انسان از طریق تجربه فردی یا خبرهای روز با آن روبه‌رو می‌شوند، جهان امروز جهان تعامل‌های فرامحله‌ای، فراشه‌ری و فراسرزمینی است. امروزه اگرچه خبرهای منتشرشده حاکی از امتداد تبعیض‌های مختلف به‌ویژه برای زنان در سیاست‌گذاری‌های عمومی در هر نقطه از جهان، خاورمیانه و ایران است، همین خبرها بارها و بارها تیرشان دنیای موفقیت‌ها و تلاش‌های زنان را فتح کرده است: از مدال‌آوری‌های دنیای جهانی و ملی، علم و ورزش تا معرفی زنان معمولی اما قوی یک محله. در دهه‌های اخیر، حتی مادر بزرگ‌های قدیمی که پیش‌ترها در شب‌نشینی‌های خانوادگی راوی زندگی‌های تجربه‌محور خود بودند، در اینستاگرام و غیره، صفحه مجازی دارند و از کوچک‌ترین لحظه‌های زندگی‌شان مانند سرخ کردن گوشت چرخ کرده و کدو برای طبخ غذا برای پذیرایی از نوه‌هایشان گرفته تا روایت سبک زندگی زنان در نیم قرن پیش و مقایسه اجتماعی بینش زن دیروز و زن امروز به فعالان عرصه اجتماعی تبدیل شده‌اند و راویان تجربه‌هایی شده‌اند که به گذشته پیوسته است برای مخاطبان بسیاری که در زندگی امروز به جست‌وجوی نوستالژی به عنوان پناهی برای التیام آسیب‌های زندگی مدرن هستند. تبدیل شدن مادر بزرگ‌های باتجربه که رنج دوران را بر شانه‌های نحیف خود تاب آورده‌اند و امروزه می‌کوشند خود را به‌روز کنند، در حلقه تعامل با نسل‌های پس از خود کرسی گفت‌وگو را حفظ کنند و با کوشش نوه‌هایشان به حلقه ارتباطات امروزی می‌پیوندند مؤید این امر است که سبک زندگی تغییر چشمگیر و کتمان‌ناپذیری داشته است. برای جامعه امروز نمی‌توان با توجه به آنچه در گذشته کارکرد داشته است نسخه نوشت و

سیاست‌گذاری کرد.

+ کارکردی بودن حضور زنان در حوزه عمومی درخور اندیشیدن است

زندگی اجتماعی اگرچه قابل مطالعه و برنامه‌ریزی ساختاری است، نباید از نظر دور داشت که به کل قابل کنترل و مدیریت نیست. جامعه اگرچه برای تضمین بقا به حفظ انسجام و یکپارچگی نیازمند است و سیاست‌گذاران اجتماعی در راستای حفظ بقا به ارائه طرح‌ها و قوانین همت می‌گذارند، تاریخ اجتماعی می‌گوید که بخشی از عملکرد جامعه همیشه خارج از کنترل سیاست‌گذاران پیش می‌رود و مسیر تغییرات را طی می‌کند. به‌ویژه در عصر دانش و اطلاعات که آگاهی‌ها و تجربه‌های متعدد با نگاهی بازبینانه و بازآفرینانه از سوی جامعه‌رصد می‌شود، نمی‌توان بدون توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی که در جریان است طرح‌ها و ایده‌هایی واقع‌گرایانه و قابل اجرا مطرح کرد. یکی از تغییرات کتمان‌ناپذیر در زندگی امروز قوت گرفتن حضور زنان و علاقه جامعه به افزایش حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و میدان عمل در زندگی روزمره است. این علاقه بر اساس نیاز جامعه به حضور زنان شکل گرفته است. جامعه با افزایش دانش در زمینه‌های مختلف و با مقایسه تجربه‌های جمعی از حضور یا حضور نداشتن زنان در فعالیت‌های اجتماعی اعم از اشتغال و غیره به این نتیجه رسیده است که حضور زنان در حوزه عمومی به افزایش نشاط در خانواده و افزایش امنیت در محیط‌های اجتماعی منجر می‌شود. تجربه زیسته روزانه اکثریت جامعه از همراهی و حضور مادران و زنان در فضاهای جمعی و محیط‌های کاری از سوی اکثریت جامعه تجربه‌ای مثبت و کارکردی ارزیابی می‌شود. این امر به ایجاد علاقه و احساس نیاز از سوی جامعه برای حضور مداوم و مستمر زنان در میدان اجتماعی منجر شده است. سبک زندگی امروز و بینش نسل جوان به کاهش جنسیت‌گرایی درباره مشاغل اجتماعی و میزان حضور زنان از یک سو و تغییرات اجتماعی مبتنی بر الزام حضور

زنان دوشادوش مردان در جامعه، گریزناپذیری حضور زن در حوزه عمومی را به امری مسلم تبدیل کرده است. شرایط دشوار اقتصادی و تلاش کانون خانواده برای تداوم زندگی مشترک و تلاش جامعه برای حفظ نهاد خانواده، امری است که فراتر از همه سیاست‌گذاری‌ها و بینش‌های متعدد و متنوع درباره چرایی و چگونگی حضور زنان در حوزه عمومی، در زمینه میزان و چگونگی حضور زنان در میدان‌های گوناگون فعالیت اجتماعی انگیزه‌بخش واضطرارآفرین می‌شود. واقعیت اجتماعی همیشه در طول تاریخ بشر بر ایدئال‌های ذهنی ارجحیت یافته است زیرا انسان در زمین دشوار واقعیت‌ها گام برمی‌دارد و با عمل‌گرایی در زندگی روزمره عجین است. بقای انسان نه به ایدئال‌ها که به دوام آوردن در واقعیت‌ها وابسته است.

+ ارزیابی واقع‌گرایانه گام اول هر نوع سیاست‌گذاری عمومی است

واقعیت اجتماعی زندگی امروز می‌گوید تاریخ به عقب باز نمی‌گردد و زمان پیش‌رونده است. در این پیش‌روندگی، تغییرات اگرچه گاه کند و گاه سریع، اجتناب‌ناپذیرند. اگرچه تعداد کثیری از خانواده‌ها درگیر مصرف‌گرایی باشند و بنابر ایدئال‌ها تصور شود با کنترل مصرف‌گرایی و تشویق به ساده‌زیستی بتوان از حجم فشارهای اقتصادی برای تأمین بقای نظام خانواده کاست، درصد چشمگیری از خانواده‌ها نه برای مصرف‌گرایی که برای حفظ زندگی و خانواده ناچارند فارغ از جنسیت زنانه یا مردانه، دوشادوش یکدیگر، به عنوان فعال شغلی تلاش کنند. این در حالی است که حضور فعال در عرصه کار اعم از تولید یا خدمات، به افزایش آگاهی درباره چیستی و چرایی زیستن و تجارب اجتماعی حاصل از آن می‌انجامد و زنان را به عنوان انسان که موجودی اجتماعی و جست‌وجوگر است در مسیر تکامل ذهنی نگه می‌دارد. هم‌چنین آنان به واسطه وظیفه خطیری که آفرینش بر عهده‌شان نهاده است، یعنی فرزندآوری و فرزندپروری، حضور فعال در جامعه را امری نه تنها اجتناب‌ناپذیر بلکه ضروری می‌دانند تا بتوانند از زندگی واقعی بیاموزند و به نسل‌های بعد از خود زندگی واقعی را بیاموزند. زندگی واقعی چیست؟ زندگی بر اساس شرایط واقعی و ملموسی که آنان را در بر گرفته است و با دنیای ایدئال‌های جذاب ارزش‌گذاری برای زنان فرسنگ‌ها فاصله دارد. امروزه زنان حتی اگر بخواهند وقت خود را تماماً صرف رسیدگی به امورات داخلی منزل کنند، نمی‌توانند. زندگی در فضای امروز حق انتخابگری را به میزانی که در گذشته بود سلب کرده است. زنان برای آنکه بتوانند دوام بیاورند و به دوام خانواده کمک کنند، ناگزیر در مدرسه زندگی روزانه می‌مانند. حضور زنان در دنیای امروز نه یک انتخاب که یک رویداد ناگزیر است و زمانی که سیاست‌گذاران عمومی دانش کافی را درباره تغییرات اجتماعی و نهاد خانواده در گذار ایام و اهمیت نقش زن در انسجام‌بخشی به جامعه کسب کرده باشند، خواهند توانست به عنوان حامیان حفظ فرهنگ، انسجام اجتماعی و بقای نهاد خانواده، در کنار مردان، همراهانی خردمند و توانمند ساز باشند.



شهربانو

۲۳ شهریور ۱۴۰۰
شماره ۳۲۲۸

(۷)





غلامرضا آذری خاکستر
پژوهشگر تاریخ معاصر

تلخی و شیرینی‌هایی از سر آغاز مشارکت زنان مشهدی

شمال خراسان و جنوب آن به واسطه مشکلات معیشتی و خشک‌سالی‌ها تا اندازه‌ای رواج داشته است. بازتاب چنین مسائلی موجب می‌شود از اواخر حکومت قاجار، زنان و دختران مشهد گام‌هایی اساسی در حوزه دانش از طریق راه‌اندازی مدارس نوین و کسب تحصیل بردارند.

در مشهد نیز پس از تأسیس مدارس نوین دخترانه و به کارگیری معلم‌های زن، شاهد توسعه مشارکت‌های مدنی هستیم به طوری که نخستین مشارکت مدنی زنان شهر مشهد در سه بعد بررسی می‌شود: ۱. راه‌اندازی انجمن‌های نطق و مناظره در دبیرستان‌های دخترانه. ۲. مشارکت در فعالیت‌های انسان دوستانه با ایجاد مؤسسات خیریه. ۳. ورود به مباحث دینی از طریق ایجاد

تشکل‌های مذهبی زنان.

هرچند سرآغاز فعالیت‌ها و مشارکت‌های مدنی زنان چندین مورد توجه نبوده

است و حتی روایت‌های پراکنده

و مبهمی در منابع به طور

پراکنده ثبت شده‌اند،

از دهه پایانی دوره

قاجار، در مسائلی

چون روزنامه‌نگاری

و مشاغل اجتماعی

شاهد فعالیت‌های

زنان هستیم.

تحلیل و بررسی

هر یک از وقایع

صد سال اخیر

می‌تواند گام

مهمی در پژوهش

و برگ‌های از

تاریخ زنان خراسان

محسوب شود.

مرور تحولات سیاسی اجتماعی خراسان از انقلاب مشروطه تا سقوط قاجاریه و بررسی اسناد و مدارک تاریخی در زمینه مشارکت‌های مدنی زنان مشهد در دو محور اصلی مورد بحث است. نخست انقلاب مشروطه و سهم اندک زنان در آن ایام و نادیده گرفته

شدن حقوق سیاسی آن‌ها. دوم، پیشرفت علوم و فنون و مشارکت زنان در این حوزه.

مطالعه اسناد تاریخی و تحلیل وقایع حکایت از آن دارد تا قبل از انقلاب مشروطه، مهم‌ترین فعالیت زنان خراسان در مقوله وقف و فعالیت‌های نیکوکارانه مطرح بوده است زیرا به واسطه موقعیت مذهبی مشهد تعداد اندکی از بانوان بخشی از دارایی خود را وقف حرم مطهر و مصارف موقوفاتی کرده‌اند.

آن گونه که روایت‌های تاریخی بیان می‌کنند: در شهر مشهد زنان در برابر وقایع قبل از مشروطیت بی تفاوت نبودند زیرا مرور وقایع و رویدادهای این شهر حاکی از آن است که در سال ۱۳۲۱ قمری آنان در اجتماعات و اعتراضات مشارکت دارند زیرا آ‌ا می‌ها و آشوب‌های مشهد قبل از مشروطیت بر اثر گرانی و قحطی نان و سخت‌گیری محترکران، مردم را به ستوه آورد و زنان به خیابان ریختند. مردها نیز به تبعیت آن‌ها دکان‌ها را غارت کردند.

بارزترین مشارکت مدنی زنان ایرانی پس از انقلاب مشروطه نمود پیدا کرده است. پس از پیروزی انقلاب مشروطه، با حق رأی و فعالیت سیاسی زنان مخالفت شد و تعدادی از آن‌ها با ایجاد انجمن‌ها و انتشار نشریات وابسته شروع به فعالیت کردند. جالب است تا آن زمان، نگاه به بانوان با عناوین «ضعیفه» و «بازتاب آن در مطبوعات دوره قاجار نشان می‌دهد، حتی در بین روشن‌فکران دوره قاجار نیز به زنان نگاه حاشیه‌ای شده است. پس از اینکه فعالیت‌های اجتماعی زنان مورد توجه قرار گرفت، به مرور زمان، اصطلاحات و واژه‌های به کار رفته در مطبوعات با عناوین محترمانه‌ای نمود می‌یابد.

مرور اخبار و وقایع منتشرشده در مطبوعات خراسان متقارن با اواخر دوره قاجار بیانگر این است که بیشترین آسیب‌های اجتماعی اعم از قتل و جنایت در حوزه زنان گزارش و ثبت شده است. یا انعکاس اخبار فروش دختران در



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۰
شماره ۲۲۲۸

(۸)

ضمیمه روزنامه شهرآرا

صاحب امتیاز:

شهرداری مشهد

مدیرعامل:

سیدمیتهم موسوی مهر

سرپرست:

ارژنگ حاتم

مسئول ضمیمه:

حمیده وحیدی

صفحه آرایی و گرافیک:

ملک جمعی

شهرزاد

شبیم کرمی

روزنامه نگار



زن بودن فراتر از جنسیت

عظیمی است که هر جامعه هوشمند می‌تواند از این استعداد ارجمند در مسیر رشد و شکوفایی خود بهره ببرد.

هر زنی در طول زندگی، به تجربه مادری که برخاسته از ذات و فطرت زنانگی اوست تمایل دارد. چنانچه تلقی فرهنگ عمومی از زنان در زندگی صرفاً به عنوان یک سایه باشد و از احترام به سایر توانایی‌های آنان غافل شود، تمایلات بانوان یک سویه می‌شود و ناخودآگاه با هدف ابراز وجود و اثبات خود، دست به خودتخریبی و کتمان توانایی‌های فطری می‌زنند که می‌تواند برای آینده جمعیتی هر کشور به موضوعی بسیار آسیب‌زا تبدیل شود.

بر اساس کلیشه‌های جنسیتی موجود، زنان موجوداتی لطیف، با عواطف شدیدتر، پذیرنده، مراقب و ضعیف‌تر به لحاظ جسمی شناخته می‌شوند اما به نظر می‌رسد این روزها که زنان علاوه بر خانه‌داری و فرزندپروری در جامعه نیز نقش‌های مهمی ایفا می‌کنند، این تصورات تا اندازه‌ای تعدیل شده است. لازمه مادر بودن که یکی از نقش‌های اصلی زنان است، داشتن ویژگی‌های شخصیتی خاصی مانند مهر و محبت، توانایی مراقبت و توجه نسبت به دیگران، اهمیت دادن به سایرین، صبر و تحمل درباره نظرات غیر و توانایی واکنش تند و بهنگام در برابر مشکلات زندگی است که هیچ‌یک منافاتی با ایفای نقش اجتماعی آنان ندارد بلکه ظرفیتی دوجنسان برای موفقیت در نقش‌های خارج از منزل برای زنان ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، بیان مکرر این موضوع که زنان فعال اجتماعی از امور خانه و فرزند غافل می‌مانند یا نشان دادن زنان خانه‌دار به عنوان افرادی که به سبب شاغل نبودن در بیرون، در انجام وظایف زنانه خویش موفق‌ترند و ایجاد تقابل میان بانوان اقشار مختلف سبب تشخیص نادرست و غفلت از بسیاری توانمندی‌ها از سوی ایشان می‌شود که به یقین سودی برای توسعه کشور ندارد. احترام به جایگاه بانوان از اقشار مختلف و قدردانی از آنان که در هر شرایطی چه در منزل چه در جامعه دوشادوش همسران خود صبر و تلاش پیشه کرده‌اند می‌تواند گردش چرخ توسعه مملکت را روان‌تر کند.

بانوان چه شاغل چه خانه‌دار به لحاظ فیزیولوژیک، توانایی بسیاری در توجه به جزئیات دارند و به سبب ارتباط بیشتر میان دو نیم کره مغز، می‌توانند چند کار را به طور هم‌زمان انجام دهند، در توانایی‌های کلامی در مقایسه با مردان پیش‌ترند، نیاز و علاقه به روابط صمیمانه و عاطفی خود را بیشتر بروز می‌دهند و در بیان عواطف خود مهارت زیادی دارند، در همدلی و مهر ورزیدن قوی‌ترند و در نهایت، قدرت پذیرش غم و شادی بیشتر و در نتیجه واکنش‌های سنجیده‌تری دارند. بنابراین صرف زن بودن همان گونه که تاکنون ثابت کرده‌اند، می‌تواند از پس وظایف متعددی بر بیاید.

اینکه چرا برای زنان روزی تعیین شده است شاید در این فلسفه خلاصه می‌شود که خداوند خلقت بشر را با مرد آغاز کرد و با زن به کمال رسانید. نمونه‌های بارز این خلقت حضرت فاطمه زهرا^(س) و بانو زینب کبری^(س) هستند که دین مکرم اسلام به واسطه وجود پربرکتشان غایی و کافی شده است.

زن بودن به چه معناست؟ زن بودن فراتر از مؤنث بودن است. زنان انسان‌های پیچیده‌ای هستند و در عمل نشان داده‌اند که توانایی تمرکز و انجام هم‌زمان چندین فعالیت و مسئولیت را دارند اما از گذشته دور، جوامع مختلف درباره زنان و مردان تفکیک‌های مختلفی قائل شده‌اند که آن‌ها را به نقش‌های از پیش تعیین شده و کلیشه‌ای محدود کرده است. در فرهنگ عامه، کارهای خانه، فرزندآوری، بزرگ کردن و تربیت فرزندان و پذیرندگی جنسی برای همسر، وظیفه زنان شمرده شده است. در مقابل، مردان فعالیت‌های خارج از خانه، درآمدزایی و تأمین نیازهای خانواده را برعهده دارند.

هرچند این تقسیم‌بندی‌های جنسیتی هنوز هم در میان اقشار مختلف طرف‌دار دارد، این روزها شاهد تعدیل این نقش‌ها هستیم زیرا در شیوه زندگی نوین، نمی‌توان با قرار دادن خط‌کشی میان زن و مرد برای آن‌ها وظایف مطلق تعیین کرد. چه بسیار زنان سرپرست خانوار که اکنون با رشادت و سرافرازی، هم به امور خانه و تربیت و پرورش فرزندان و هم به تأمین مایحتاج مالی آن‌ها می‌پردازند.

از نظر آنا‌تومی، زن بودن با توانایی زایش همراه است و ریشه «زن» زندگی و زاییدن یکی است اما این توانایی خدادادی با توجه به توانایی‌های چندبعدی زنان هرگز نباید به مانع و هدفی برای جلوگیری از رشد اجتماعی و فردی آنان تبدیل شود. فرزندپروری و مولد بودن، خود، نشانه‌ای از پویایی و توانایی